

اصل اول - عضویت اختیاری و آزاد  
اصل دوم - کنترل دموکراتیک توسط  
اعضاء  
اصل سوم - مشارکت اقتصادی اعضا  
اصل چهارم - خودگردانی و عدم  
وابستگی

اصل پنجم - آموزش،  
کارورزی و اطلاع  
رسانی  
اصل ششم - همکاری  
بین تعاونیها  
اصل هفتم - توجه به  
جامعه

بین اصول توافق شده  
در هر سه مرحله  
تدوین اصول بین‌المللی  
تعاون، به گونه‌ای وجوه  
مشترکی بویژه در اصل  
اول و دوم، پنجم و ششم  
وجود دارد. در هر حال  
همانطور که ذکر شد  
چه در چگونگی اداره  
امور تعاونیها و چه در  
تدوین مقررات و  
دستورالعملهای  
کشورهای جهان بایستی  
توافق‌های جهانی در  
اصول و خط‌مشی‌های  
تعیین شده رعایت شود.  
در این بحث اگرچه به  
گونه‌ای کل و مختصر به  
گوشه‌ها و جنبه‌های  
مقایسه‌ای میان فعالیت  
بخش تعاونی کشورمان  
نسبت به اصول جهانی  
تعاون اشاره شده است،  
اما نتیجه می‌گیریم که  
بررسی مفصل در این  
زمینه می‌تواند موضوع

تحقیق مستقلی قرار گیرد.

یک بررسی کلی در فعالیت تعاونیهای  
کشورمان نشان می‌دهد که در برخی از  
موارد در عمل انحرافها و مغایرت‌هایی  
وجود دارد که با آرمان‌های مورد توافق  
جهانی فاصله دارد. برخی از این فاصله‌ها  
منبعث از ضوابط و مقرراتی است که از  
طرف دولت تدوین و تکلیف می‌شود و

تعاونی اعلام گردید پس از آن هم در  
بیست سومین کنگره اتحادیه بین‌المللی  
تعاون که در سال ۱۹۶۶ تشکیل شد این  
اصول به ۶ اصل کاهش یافت که عبارت  
بود از:

۱- آزادی عضویت ۲- کنترل دموکراتیک

شرکتهای تعاونی در سراسر جهان بر  
مبنای اصول و ضوابطی تشکیل و اداره  
می‌شوند که صرف‌نظر از ضرورت‌هایی که در  
هر کشور موجب تدوین قوانین و مقررات  
خاص می‌گردد، لازم می‌نماید که به طور  
کلی چهارچوب عمومی این بخش در همه  
جا رعایت شود.

اصول لازم‌الاجرا و  
چهارچوب عمومی  
تعاون از طریق  
بررسی نقاط ضعف و  
قوت و کارشناسی بر  
روی مسایل مختلف  
شرکتهای تعاونی در  
سطح جهان توسط  
متخصصان و  
اندیشمندان برجسته  
تهیه می‌شود و مادامی  
که کشورها، خود را  
وابسته به گستره  
جهانی این نهضت  
بدانند ملزم به تطبیق  
خط‌مشی و عملکرد  
خود با اصول توافق  
شده جهانی این  
نهضت خواهند بود،  
شرکت‌های تعاونی  
هم مادام که عنوان  
تعاونی را بر فعالیت  
خود نام‌گذاری کنند،  
ناچارند که اصول  
پذیرفته شده را در  
عملیات خود به  
کاربرند. اگرچه  
پیشگامان راجدیل  
برای فعالیت تعاونی  
خود اصولی داشتند  
که خط‌مشی عقیدتی  
و عملی آنان را نشان

می‌داد، ولی مرجع اصلی تدوین خط  
مشی‌های کلی و اصول بین‌المللی تعاون  
کنگره‌ای است که توسط اتحادیه  
بین‌المللی تعاون (ICA) تشکیل می‌شود.  
اصول بین‌المللی تعاون برای نخستین بار  
در سال ۱۹۳۷ در پانزدهمین کنگره  
بین‌المللی تعاون تدوین شد و بصورت  
مشهور جهانی در قالب اصول هفتگانه



## ضرورت‌های رعایت اصول بین‌المللی تعاون در ایران

شکرا... حسن پور

۳- محدودیت سود سهام ۴- تقسیم مازاد  
برگشتی بر مبنای معاملات و خدمات  
اعضاء با شرکت ۵- آموزش ۶- تشکیل  
اتحادیه‌های محلی، ملی و بین‌المللی  
بالاخره در سال ۱۹۹۵ در کنگره  
اتحادیه بین‌المللی تعاون که در منچستر  
انگلستان تشکیل شد. این اصول در قالب ۷  
اصل مورد توافق قرار گرفت که عبارتند از:

برخی دیگر ناشی از عملکرد داخلی تعاونیها و شرایط خاص و از جمله عوامل اقتصادی موجود می باشد.

### عضویت اختیاری و آزاد

تعاونیها سازمانهایی اختیاری هستند. عبارت نخست که در شرح این اصل آمده است، بدین منظور می باشد که فراهم شدن موجبات آگاهی و فرصت تصمیم گیری و ارادی بودن انجام هر کار، مقدمه ای است برای پذیرش مسئولیت های بسعدی ناشی از آن تصمیم گیری. در شرکت های تعاونی عضویت اختیاری است و این امر به منزله انتخاب این شیوه با همه شرایطی است که دارد، از میان سایر اشکال و تشکلهای اقتصادی تعاونی، برای رفع نیاز اشخاص است، افزون بر موارد فوق تعداد زیادی از داوطلبان عضویت در تعاونیها قبل از آن که به عضویت تعاونی درآیند اطلاعات چندانی از ماهیت و کیفیت اداره تعاونی، حقوق و مسئولیت های ناشی از عضویت در آن ندارند. در حالی که هر شخص که به عضویت تعاونی در می آید ابتدا بایستی شناخت کافی از نیاز خود و آمادگی مادی و معنوی اش برای مشارکت با دیگران برای رفع آن نیاز نسبت به سهم خود داشته باشد. اغلب اعضای تعاونیها اول به عضویت تعاونی در می آیند و بعد با آن آشنا می شوند. این افراد به دلیل مشکلات اقتصادی شان و دورنمایی از شنیده های آنها به طرف تعاونی کشیده می شوند و به اصطلاح معروف "از بد حادثه اینجا به پناه آمده اند" و یک سلسله محاسبات اقتصادی هم آنها را تا مدتی در عضویت تعاونی نگه می دارد. بدین طریق ادامه عضویت اعضای نامتجانس، سبب تحمیل و تحمل آنان به سایر اعضا می شود. در تعداد زیادی از تعاونیها، بخشی از افراد را جلب مزایایی که در مقررات و معمولاً ممکن است در بخش تعاونی کشورمان رایج باشد به قبول قالب تعاونی ترغیب کرده است و بسیاری از داوطلبان تشکیل تعاونی اعتقاد یا آگاهی کافی نسبت به ماهیت اصلی آن ندارند. بسیاری نیز نقش سیاهی لشکر را دارند و نسبت زیادی از اعضا جز سابقه عضویت در آن ارتباط

دیگری با تعاونی ندارند. برخی از اوقات هم فشارهای وارده به عضو سبب کناره گیری یا کنار گذاشتن افراد تعاونی می شود. از جانب دیگر اگر چه ایجاد شرایطی که اعتماد عضو را برای ورود و خروج دریافت و پرداخت آسان و بی خطر سرمایه گذاری های وی جلب کند، سبب اعتماد بیشتر خواهد شد، ولی در عمل بسیاری از اوقات و به دلایل مختلف از جمله مقاومت مسؤلان تعاونی جرأت ریسک سرمایه گذاری از عضو گرفته می شود و در مواقع حساس و بحرانی خروج عضو برای تعاونی نیز سبب مشکلاتی خواهد شد. مثلاً در تعاونی مسکن از آن جا که به اشتباه، عضویت فرد معادل استفاده از مسکن تلقی می شود، اعضایی که پیش پرداخت لازم را برای ساخت و ساز واحد مسکونی خود نمی پردازند که این امر علاوه بر رکود کار تعاونی، در صورت حذف از پروژه سبب بروز مشکلاتی می گردد.

### کنترل دموکراتیک توسط اعضا

در واقع پس از قبول آزادانه عضویت در تعاونی، هر یک از اعضا دارای حقوقی می شوند که سبب پذیرش مسؤلیتهای ناشی از عضویت آنان می گردد. به طور کلی مهمترین مسؤلیتهای یک عضو در تعاونی عبارت است از:

- ۱- حضور در مجامع عمومی، مشارکت در تصمیم گیریها و احساس مسؤلیت در ابراز نظر.
  - ۲- آشنائی با وظایف و نقش خود در قبال تعاونی، مشارکت در پیشبرد اهداف تعاونی، قبول مسؤلیتها در مواقع لازم و انجام تعهدات.
  - ۳- حمایت مادی و معنوی به موقع از طریق سرمایه گذاری لازم نسبت به سهم خود و نیازهای تعاونی و سهم دانستن عملکرد خود در رونق اقتصادی تعاونی.
- شرکتهای تعاونی نهادهای دموکراتیک به شمار می روند و دموکراسی در تعاونی، به یک مرحله آن هم به مجامع عمومی منحصر نمی شود. بلکه در اجزای فعالیت تعاونی بایستی حکم فرما شود. بدیهی است که دموکراسی دو جانبه و متقابل است. این اصل وقتی محقق می شود که از

یک جهت مسؤلین تعاونی شرایط تحقق آن را برای تک تک اعضا فراهم سازند و از سوی دیگر متقابلاً اعضا هم در اظهار نظرها مشارکت کنند و به رای یکدیگر احترام بگذارند. به عبارت دیگر برای عضو این اطمینان ایجاد شود که حضور او در امور تعاونی مؤثر است و خودش هم معتقد باشد که رای او در واقع امانتی است که در اختیار او گذاشته شده است و نظری که می دهد سرنوشت دیگران را هم در تعاونی رقم می زند. برخی از اوقات این آراء تحت الشعاع شرایط و فشارهای خارجی قرار می گیرد.

اگر چه نظارت در امور تعاونی حق عضو است که قانون هم به او اعطا کرده است، ولی یکی از مشکلاتی که دموکراسی در تعاونی را دچار اشکال می کند، چگونگی نظارت اعضا در امور تعاونی است. نمایندگان اعضا یعنی بازرسان شرکت غالباً به مسؤلیتهای خود یا عمل نمی کنند یا با آنها آشنا نیستند. مداخله تک تک اعضا هم برای نظارت در امور شرکت عملاً و معمولاً کار آسانی نیست. در نتیجه در بسیاری از موارد از جمله در اظهار نظر در مورد عملکردهای مالی، مصوبات اعضا مبتنی بر مطالعه قبلی و آگاهی های کافی نیست. عمده ترین مرحله نظارت و مشارکت اعضا در تصمیم گیریها، مجامع عمومی تعاونیها است. هر قدر تعداد بیشتر از اعضا در جلسات مجمع عمومی حضور یابند، حاکی از موفقیت تعاونی و احساس مسؤلیت اعضا برای مشارکت در سرنوشت آن به شمار می رود. اما کمتر شرکتی است که بازرسان و مدیران آن به تکلیف خود برای آماده کردن و در اختیار اعضا گذاشتن گزارش، های مالی و سایر اطلاعات قبل از تشکیل مجمع عمومی عمل کنند.

اگرچه کلاً انگیزه اعضا برای حضور در مجامع عمومی و تصمیم گیریها مؤثر است ولی انگیزه اعضا در این خصوص ارتباط مستقیمی با انگیزه عضویت، میزان پاسخگویی به توقعات و اولویتهای آن نظر وی دارد. به طور کلی یکی از بلاهای رعایت دموکراسی در بسیاری از تعاونیها، در اقلیت قرار گرفتن آراء، و نظریاتی است

که آراء و نظریات مبتنی بر مصالح عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به همین دلیل شرکتهای تعاونی را از نظر چگونگی مشارکت اعضاء می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف - تعاونیهای بزرگ، اعضاء این تعاونیها غالباً با تعداد کمی از اعضاء برگزار می‌شود و اغلب نظریات همه اعضاء در تصمیم‌گیریها میسر نمی‌باشد. در این تعاونیها از جمله عوامل زیر می‌تواند در دخالت آراء و اعمال نظریات بیشتر اعضاء مؤثر باشد:

- ۱- مشترک بودن محل کار و سهولت حضور آنان در جلسات مجمع عمومی
- ۲- رأی‌گیری یا تشکیل مجامع عمومی به صورت دو مرحله‌ای
- ۳- ایجاد انگیزه در اعضاء برای حضور در جلسات

ب - تعاونیهای کم عضو - این دسته از تعاونیها را از نظر مشارکت اعضاء در تصمیم‌گیری‌های مجامع عمومی می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

- یکی تعاونیهایی که دارای عضو غیرفعال‌اند، از جمله تعاونی‌هایی که دارای عضو صوری‌اند و اعضاء آنها مسؤولیت و نفع مستقیمی در فعالیت شرکت ندارند این قبیل اعضاء، نه مسؤولیتی در قبال رأی شان احساس می‌کنند و نه رأی آنان به گونه رسمی به بازی گرفته می‌شود این دسته از تعاونیها بیشتر شامل تعاونی‌های خانوادگی‌اند.

و دیگری تعاونیهایی که ممکن است اعضاء با یکدیگر ارتباط خویشاوندی نداشته باشند. ولی دلایل مختلفی از جمله اشتراک شغل، و یا اشتراک منافع در تعاونی و جز آنها ممکن است برای ایجاد انگیزه حضور در جلسات تأثیر مستقیم داشته باشد در این نوع تعاونیها غالباً به دلیل استقلال منافع از یکدیگر، اعضاء سهم بیشتری در تصمیم‌گیری‌های شرکت و اعمال رأی‌شان در جلسات دارند.

### اصل مشارکت اقتصادی اعضاء

اصل مذکور جزو اصولی است که در کنگره اخیر در اصول بین‌المللی تعاون وارد شده است. در تعریف این اصل آمده است:

اعضاء به طور منصفانه و با کنترل دموکراتیک سرمایه تعاونی خود را تأمین می‌کنند. آنها معمولاً متناسب با سرمایه پرداخت شده خود که یکی از شروط عضویت می‌باشد سود محدودی، در صورت وجود دریافت می‌دارند. اعضاء، مازاد درآمد را برای تأمین هریک از مقاصد زیر اختصاص می‌دهند:

توسعه تعاونی خود، حتی‌المقدور از طریق تخصیص ذخایری که حداقل قسمتی از آن غیرقابل تقسیم می‌باشد، برخوردار می‌شوند. اعضاء به نسبت معاملات هر یک از آنها با تعاونی و حمایت از سایر فعالیت‌هایی که به تصویب اعضاء رسیده است.

این اصل، نقش عضو و بویژه سهم وی را در بهبود فعالیت‌های اقتصادی تعاونی به خوبی مورد تأکید قرار می‌دهد. به عبارت دیگر رونق فعالیت تعاونی ارتباط مستقیمی با میزان مشارکت اقتصادی عضو هم در مرحله سرمایه‌گذاری و هم در مرحله بهره‌برداری و فعالیت تعاونی دارد. در توضیح این اصل چند نکته قابل توجه است:

۱- اعضاء به طور منصفانه و با کنترل دموکراتیک سرمایه تعاونی خود را تأمین می‌کنند. یعنی انصاف ایجاب می‌کند که هریک از اعضاء سهم خود را برای تأمین سرمایه مورد نیاز باید ادا کند و در نتیجه سبب تحمیل ضعف بنیه مالی خود و یا به هر عذر و بهانه دیگری برای عدم تأدیه سهم‌الشرکه متناسب با عضویت و توقعات خود به دیگران نشود. برخی از اعضاء تعاون را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که گویا دیگر اعضاء مکلف به کمک به اویند و همکاری و همیاری را یک طرفه تعبیر می‌کنند و به عبارت دیگر تعاونی را با یک مؤسسه خیریه به اشتباه می‌گیرند. حال آنکه اگر یکی از جنبه‌های دموکراسی را حمل بر رعایت حقوق دیگران کنیم، چنین تصویری اشتباه است. متأسفانه مدیران هم در صدد اصلاح این استنباط بر نمی‌آیند.

باید گفت که همکاری هم در سرمایه‌گذاری و هم در فعالیت‌های جاری و هم در بهره‌برداری از منافع مادی و معنوی تعاونی جنبه متقابل دارد. شاید دموکراسی در تعاونی به این معنا سوء تعبیر شود که مراد آنست که این مضمون

آزادی و اختیاری بودن سرمایه‌گذاری را هم در بردارد. ولی در تعریف اصل اول یعنی "عضویت اختیاری و آزاد" آمده است که تعاونیها سازمان‌هایی اختیاری هستند و عضویت در آنها برای تمام افرادی که بتوانند از خدمات آنها استفاده کنند و مسؤولیت‌های ناشی از عضویت را بپذیرند... آزاد است. در این اصل تأکید شده است که کسی: بتواند به عضویت تعاونی درآید که مسؤولیت‌های ناشی از عضویت آن را هم بپذیرد.

یکی از این مسؤولیتها سهم دانستن خود در فعالیت‌ها و سرنوشت اقتصادی تعاونی است. بنابراین قبول عضویت توسط فرد براساس این تعریف به منزله آن است که عضو، مطالعات اولیه را انجام داده و آمادگی هرگونه همکاری و همیاری موردنیاز را نسبت به سهم خود را دارد. پس در هر مرحله از فعالیت تعاونی، باید سهم خود را ادا کند. اما حقیقت آن است که رکود بسیاری از تعاونیها ناشی از اختلاف اعضاء است و در بسیاری از موارد، انصاف در سرمایه‌گذاری از سوی همه اعضاء رعایت نمی‌شود. زیرا همه اعضاء به گونه یکنواخت توقع متقابلی چه در ابعاد مادی و چه در ابعاد معنوی از مشارکت در امور تعاونی ندارند. علاوه بر این، عجز تعاونی برای کنار گذاشتن چنین عضوی، به مشکلات آن می‌افزاید.

۲- به دلیل عدم مشارکت بسیاری از اعضاء در تصمیم‌گیری‌ها و عدم اطلاع از واقعیات موجود و در عین حال خلأ ارتباط اعضاء با مدیران، توقع بسیاری از اعضاء واقع‌گرایانه نیست.

از سوی دیگر عدم برنامه‌ریزی مناسب اقتصادی و ضعف مدیریت، اعتماد عضو را برای مشارکت اقتصادی وی در تعاونی تأمین نمی‌کند. در نتیجه و از جمله بدلیل شرایط اقتصادی موجود عضو احساس عدم تأمین می‌کند. به عبارت دیگر، بدبینی اعضاء برای دریافت پاداش مشارکت و حتی اصل سرمایه‌گذاری، مانع از ریسک سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود. در نتیجه چون احساس می‌کند که در تعاونی به نحو مورد انتظار خود در برابر مشارکت مادی و معنوی‌اش پاداش نمی‌گیرد، حاضر به فداکاری لازم در تعاونی نمی‌شود.

مادی و معنوی آنان است. به دلیل مشکلاتی که تهیه و محاسبه مازاد برگشتی بویژه در تعاونی‌های توزیعی دارد و گاه هزینه احتساب مازاد برگشتی از اصل مبلغ اضافه‌تر می‌شود و نیز ارزیابی و پایه پا کردن دقیق همکاریهای اعضاء در اعتدالی فعالیت‌های اقتصادی شرکت علاوه بر معاملات او با تعاونی عملاً اجرای اصل پرداخت مازاد برگشتی را که در اصول گذشته بین‌المللی تعاون نیز مد نظر بوده دشوار می‌سازد.

حال آن که ادا کردن سهم هر یک از اعضاء به نسبت مشارکت شان در امور اقتصادی و سایر فعالیت‌های مختلف تعاونی یکی از عمده‌ترین عواملی است که سبب شکوفائی بیشتر فعالیت آن می‌گردد.

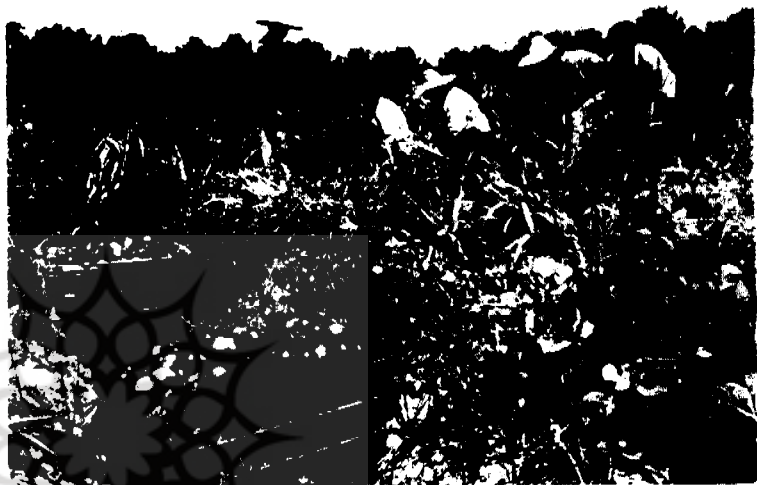
### اصل چهارم: خودگردانی و عدم وابستگی

تعاونی‌ها سازمان‌هایی خودگردان و خودیار هستند که توسط اعضاء کنترل می‌شوند. اگر آنها با سایر سازمانها از جمله دستگاههای دولتی موافقت نامه‌ای امضاء کنند یا از منابع دیگر سرمایه تأمین نمایند، این کار، از آزاد و بشرطی انجام می‌دهند که متضمن کنترل دموکراتیک توسط اعضاء و حافظ خودگردانی تعاونی باشد.

اگر چه از بسیاری جهات تعاونیها مستقلاً عمل می‌کنند ولی شرایط اقتصادی فعلی کشور و مقررات موجود، در برخی از موارد استقلال عمل را از آنها می‌گیرد. برخی از این موانع در موارد زیر شکل می‌گیرد:

۱- بررسی صلاحیت مدیران از سوی دستگاههای مقرر در ضوابط و دستورالعملها، رأی و تشخیص اعضاء را در مورد کارائی مدیران انتخابی خودشان زیر سؤال می‌برد. البته این امر برای تعاونیهایی که دارای اعضاء پراکنده‌اند و بسیاری از اعضاء شناخت کافی از یکدیگر و از صلاحیت اخلاقی افرادی که انتخاب می‌کنند، نداشته باشد تا آنجا که به سلامت محیط تعاونی کمک کند و متضمن حفظ حقوق اعضاء باشد، می‌تواند کاری مفید یا اجتناب‌ناپذیر باشد. ولی سواس بیش از حد دستگاههایی که در

- مهمترین مسؤولیت‌های یک عضو در تعاونی عبارت است از:
- ۱- حضور در مجامع عمومی، مشارکت در تصمیم‌گیریها و احساس مسؤولیت در ابراز نظر.
  - ۲- آشنائی با وظائف و نقش خود در قبال تعاونی، مشارکت در پیشبرد اهداف تعاونی، قبول مسؤولیتها در مواقع لازم و انجام تعهدات.
  - ۳- حمایت مادی و معنوی به موقع از طریق سرمایه‌گذاری لازم نسبت به سهم خود و نیازهای تعاونی و سهم دانستن عملکرد خود در رونق اقتصادی تعاونی.



ذخایری می‌تواند سود تضمینی مشارکت و سرمایه‌گذاری اعضاء را هم در موارد ضروری فراهم کند.

۴- گردانندگان تعاونی در شرایطی به سرنوشت آن علاقمند می‌شوند و در قبال آن احساس مسؤولیت می‌کنند که هر یک از آنان پاداش خود را متناسب با نقشی که به عهده داشته‌اند دریافت کنند. متأسفانه برخوردهای نامتناسب و قدرشناسی و عدم همکاری اعضاء با تعاونی زمینه را برای دلسردی آنان فراهم می‌کند. تنگ نظری در پرداخت پاداش مدیران و اعضاء، زمینه کم‌کاری و احتمال سوءاستفاده را افزایش می‌دهد.

۵- پرداخت یا ادا کردن مابه‌ازای مشارکت و همکاری اعضاء در تعاونی یکی از عوامل عمده برای تحریک همکاری

۳- تقویت بنیه تعاونی برای توسعه و تخصیص ذخایر بیشتر به عنوان پشتوانه مالی از محل درآمدهای تعاونی نیز به دلیل آن که مدیران مایلند سود قابل تقسیم بیشتری نشان دهند و نیز تمایل اعضاء برای نقد کردن سریع درآمدها، در هنگام تصمیم‌گیری آنان در مجامع عمومی، مانع از تخصیص درآمدهای شرکت به ذخیره مناسب برای تعاونی می‌گردد و اصولاً اعضاء متأسفانه ذخایر را جزو درآمدهای تعاونی به شمار نمی‌آورند و در نتیجه ذخیره‌ها در حدود همان حداقل‌های تکلیفی قانون در نظر گرفته می‌شود. حال آنکه ذخیره‌های تعاونی در عین حال که در طول فعالیت شرکت از آن استفاده می‌شود، در واقع مهمترین منابع برای بیمه و تأمین آتی آن به شمار می‌رود. چنین

یکی از مشکلاتی که دموکراسی در تعاونی را دچار اشکال می‌کند، چگونگی نظارت اعضاء در امور تعاونی است. نمایندگان اعضاء یعنی بازرسان شرکت غالباً به مسؤولیتهای خود یا عمل نمی‌کنند یا با آنها آشنا نیستند. مداخله تک تک اعضاء هم برای نظارت در امور شرکت عملاً و معمولاً کارآسانی نیست. در نتیجه در بسیاری از موارد از جمله در اظهار نظر در مورد عملکردهای مالی، مصوبات اعضاء مبتنی بر مطالعه قبلی و آگاهی‌های کافی نیست. عمده‌ترین مرحله نظارت و مشارکت اعضاء در تصمیم‌گیری‌ها، مجامع عمومی تعاونی‌ها است.

جهت ارتقاء سطح خدمات خود به اعضاء بیافزایند. ثالثاً کارکنان تعاونی ضمن آشنائی با وظایفشان در برخورد با اعضاء به سهم خود، نقبش ترویجی و اخلاقی خود را ایفاء نمایند. رابعاً اعضاء، مدیران و کارکنان تعاونی مستمراً با فراگیری از نقصان‌های عملکرد خود آگاهی یابند. برخی از موانع آموزشی و کارورزی را چنین می‌توان ذکر کرد:

۱- کوتاه بودن دوره تصدی مدیران برای استفاده از تجربیات و اطلاعات به دست آمده.

۲- نبودن امکانات آموزشی مناسب و کلاسیک بودن اطلاعات کسانی که عملاً در امور آموزشی تعاونیها فعالیت دارند.

۳- دشوار بودن دسترسی فراگیران به مراکز آموزشی علمی و بعضاً غیر کاربردی موضوعات آموزشی.

۴- عدم اعتقاد کافی مدیران و اعضاء به نقش و اهمیت آموزش و کارورزی.

### همکاری بین تعاونیها

تعاونی از اجتماع تک تک افراد و انباشته شدن سرمایه‌های کوچک برای تأمین مقاصد اقتصادی بزرگتر تشکیل می‌شود. طبیعی است که همکاری خود تعاونیها هم، چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی به آنها قدرت بیشتری می‌بخشد تا مشکلات فراراه خود را بهتر حل کنند. اگر چه در اغلب سطوح محلی، استانی و کشوری اتحادیه‌های تعاونی تشکیل شده است که می‌تواند به طور بالقوه ثمرات مثبتی برای تعاونیها داشته باشد ولی عملاً:

۱- این اتحادیه‌ها معمولاً در جنبه‌های اقتصادی آنها به صورت محدود و غیر فراگیر عمل می‌کنند و در نتیجه بعضاً از شرکتهای تعاونی جز در مواردی که پشتیبانی دولت از طریق این اتحادیه‌ها صورت می‌پذیرد، موفق‌تر عمل می‌کنند و اتحادیه‌های تعاونی موجود نقش تعیین کننده‌ای برای رفع مجموعه نیازها و برآوردن آنها به عهده ندارند. حال آنکه ظهور قدرت واقعی آنها به عنوان مکمل توانائی تعاونیهای عضو سهم بیشتری در ارتقاء کیفیت خدمات و تقویت قدرت یکدیگر می‌تواند داشته باشد. به عبارت

این خصوص باید اظهار نظر کنند و اصرار آنان بر نفی تشخیص و صلاحدید اعضاء در انتخاب مدیران تعاونی و یا الزام آنان برای اجرای دستورالعملها و اساسنامه‌های لایتغیر، به استقلال عمل و دموکراسی در تعاونی لطمه وارد می‌کند.

۲- نیاز تعاونی به منابع مالی دولتی، بانکها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری به این مؤسسات میدان عمل می‌دهد که هرگونه تکلیفی را که آنها مقرر می‌دارند، به تعاونی تحمیل نمایند. از سوی دیگر ضعف بنیه مالی اعضاء یا مقاومت آنان برای سرمایه‌گذاری بیشتر در تعاونی و یا عدم برنامه ریزی مدیران برای تقویت بنیه مالی آن، اصل خودگردانی تعاونی و گرایش آنان را به خود اتکایی بویژه در امر پایه ریزی خودکفایی و بی نیازی آنان از منابع مالی و منابع عرضه کالا و خدمات خارج از محیط تعاونی دچار مشکل می‌سازد.

۳- روزمره نگری برخی از مدیران وعدم برنامه ریزی مناسب برای ایجاد پشتوانه‌های مورد نیاز به منظور ایجاد یا توسعه دارائی‌های جاری و ثابت و هم چنین مشکلات مالی شان برای گرایش به جهت تولید در تعاونیهای توزیعی سبب تداوم وابستگی شان به منابع خارج از تعاونی می‌گردد.

با شرایط روز پیگیری نمایند. بنابراین یکی از عوامل موفقیت در تعاونی که شاید اصلی‌ترین عنصر آماده سازی آن برای تحقق دیگر اصول باشد، آموزش اعضاء و مدیران است. مدیران تعاونی با شناخت شرایط محیطی موظفند که استراتژی مناسبی برای برخورد با مسایل و مشکلات فراراه و چگونگی برخورد با مشکلات موجود انتخاب کنند. این امر در صورتی محقق می‌شود که به گونه‌ای مستمر با آخرین دستاوردهای علمی مربوط به برنامه‌ای که در پیش دارند، آشنا شوند و کارکنان تعاونی هم با وظایف خود و چگونگی برخورد با اعضاء و مشتریان خود آگاهی داشته باشند. اعضاء تعاونی هم مستمراً در جریان نقشی که در اداره امور تعاونی و کیفیت فعالیت آن می‌توانند داشته باشند قرار گیرند. آموزش کارکنان و اعضاء یکی از وظایف مدیران است، اما در اغلب موارد مشغله‌های اکثرآ غیر مرتبط با وظایفی که مدیران به عهده دارند، آنان را از این محیط دور می‌کند. بخشی از آموزش‌هایی هم که از طرف دولت صورت می‌گیرد، آموزش کلاسیک و غیرکاربردی است. بنابراین جز در مواردی که موضوعات مشترکی برای همه شرکت کنندگان در یک دوره آموزشی مد نظر است، بهتر است که موضوعات آموزش و کارورزی متناسب با شرایط و نوع هر تعاونی انتخاب گردد.

اهدافی که این اصل مدنظر دارد آن است که اولاً اعضاء به نقش خود در تعاونی آگاهی داشته باشند. ثانیاً مدیران تعاونی هر روز به اطلاعات علمی و تخصصی‌شان در رشته فعالیت تعاونی در

این خصوص باید اظهار نظر کنند و اصرار آنان بر نفی تشخیص و صلاحدید اعضاء در انتخاب مدیران تعاونی و یا الزام آنان برای اجرای دستورالعملها و اساسنامه‌های لایتغیر، به استقلال عمل و دموکراسی در تعاونی لطمه وارد می‌کند.

۲- نیاز تعاونی به منابع مالی دولتی، بانکها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری به این مؤسسات میدان عمل می‌دهد که هرگونه تکلیفی را که آنها مقرر می‌دارند، به تعاونی تحمیل نمایند. از سوی دیگر ضعف بنیه مالی اعضاء یا مقاومت آنان برای سرمایه‌گذاری بیشتر در تعاونی و یا عدم برنامه ریزی مدیران برای تقویت بنیه مالی آن، اصل خودگردانی تعاونی و گرایش آنان را به خود اتکایی بویژه در امر پایه ریزی خودکفایی و بی نیازی آنان از منابع مالی و منابع عرضه کالا و خدمات خارج از محیط تعاونی دچار مشکل می‌سازد.

۳- روزمره نگری برخی از مدیران وعدم برنامه ریزی مناسب برای ایجاد پشتوانه‌های مورد نیاز به منظور ایجاد یا توسعه دارائی‌های جاری و ثابت و هم چنین مشکلات مالی شان برای گرایش به جهت تولید در تعاونیهای توزیعی سبب تداوم وابستگی شان به منابع خارج از تعاونی می‌گردد.

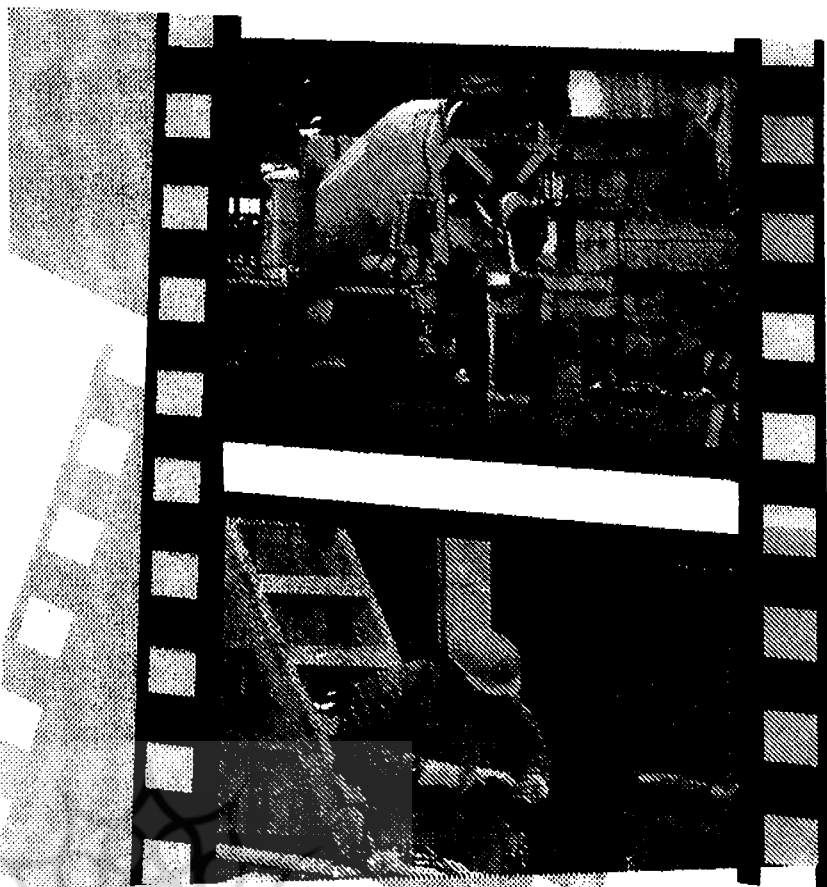
### اصل پنجم: آموزش، کارورزی و اطلاع‌رسانی

در شرایطی که تحولات علمی، صنعتی و تکنولوژی با سرعت زیادی پیش می‌رود، بویژه در فعالیت‌های اقتصادی، شرکت‌های تعاونی هم ناچارند فعالیت خود را منطبق



تعاونی تأثیر مستقیمی در قیمت‌های عرضه کالا در سطح جامعه داشته و دارد، اما بسیاری از آنها از تأثیر فعالیت خود در خارج محیط کاری نبود غافلند. اغلب آنها خود را نوعی تعاونی می‌شناسند که فقط سسؤولیت تأمین خدمات برای اعضای خود را به عهده دارند. حال آنکه تعاونیها در عین اندیشیدن به وظیفه مذکور می‌توانند از جمله بیاندیشند که فعالیت آنها تا چه حد در محیط اطراف و جامعه اثر می‌گذارد. از جمله بدانند که رعایت دموکراسی در محیط تعاونی عضو برای استفاده از دموکراسی در جهت صلاح جامعه آماده می‌کند یا آنکه مدیران تعاونی بدانند که تعاونی یک سازمان رسمی و اجتماعی است. پس مراقبت کنند که اعتماد اجتماع و اعضاء را حفظ نمایند.

مدیران تعاونی‌ها باید به تأثیر فعالیت‌شان در جامعه اعتقاد داشته باشند و بدانند که لازم است در هر جا که مشکلی اقتصادی در اجتماع پدید می‌آید باید به کمک اعضاء و سایر افراد جامعه بیایند. در کشور ما به خوبی تأثیر تعاونی‌ها در برابر احتکار، گرانیفروشی و کیفیت کالا و خدمات قابل لمس است. به طوری که این تعاونیها معمولاً با عضویت طبقات کم درآمد جامعه تشکیل می‌شوند، رسالت و نقش اجتماعی آنان در سطح جامعه قابل انکار نیست. در برخی از موارد شرکتهای تعاونی تولید هم به دلیل آن که صرفاً به منظور جذب درآمد برای اعضاء تشکیل می‌شوند، در جنبه‌های مادی و معنوی در عمل احساس مسؤولیت نمی‌کنند و معمولاً خود را صرفاً یک مؤسسه تأمین درآمد برای اعضاءشان می‌شناسند. این در حالیست که تأمین اعتماد عمومی در جامعه برای عنوان تعاونی فی‌نفسه برای توسعه درآمدهای خود تعاونی‌ها نیز مؤثر است. البته مشکلات اقتصادی تعاونی‌ها مانع عمده‌ای برای تجهیز تعاون در راه ارتقای کیفیت کالا و خدمات و نقص‌زدائی فعالیت آنها در زمینه ورود و احساس مسؤولیت در امور فراتر از اعضاء به حساب می‌آید.



است که اگرچه در بسیاری از زمینه‌های مختلف، تعاونی‌های کشور، دارای اتحادیه می‌باشند ولی این اتحادیه‌ها علیرغم وظایفی که قانوناً به عهده دارند، فعالیت‌شان محدود به عملیات اقتصادی است. شرکتهای تعاونی هم از همکاری با یکسدیگر برای حضور مشترک در صحنه‌های محلی و ملی در زمینه‌های صنفی و همچنین اقتصادی بهره لازم و مورد توصیه اصل مذکور را نمی‌برند.

### توجه به جامعه

اگرچه این اصل مبین آن است که شرکتهای تعاونی نباید حصار بی‌دور خود و اعضاء بکشند و از محیط اجتماعی خود دور باشند، ولی ساختار تعاونیهای ما به گونه‌ای است که آنها را به شعاع عملی محدود، منحصر نموده است و اگرچه در بسیاری از صحنه‌های اقتصادی در گذشته و حال هم مشاهده می‌شود که فعالیت

دیگر این اتحادیه‌ها به عنوان نماینده تولیدکنندگان در بخشهای تولیدی و نماینده مصرف‌کنندگان در بخشهای توزیعی به شمار می‌روند و می‌توانند از حقوق تعاونیها در سراج مختلف دفاع کنند و سهم مؤثری در تهیه و تدوین مقررات و دستورالعمل‌هایی که از طرف دولت برای این بخش تهیه می‌شود، داشته باشند. اما هر چند ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران وظایف عمده و متنوعی به عهده اتحادیه‌ها گذاشته است، لیکن اتحادیه‌های تعاونی موجود از درگیر شدن با وظایفی بیش از عملیات بازرگانی، دوری می‌کنند. البته گفتنی است که این اصل محدود به اتحادیه‌ها نشده است، بلکه تعاونیها هم در این همکاری و همیاری می‌توانند سهم باشند. ولی فعلاً چنین فرانگری در میان تعاونیهای ما ملاحظه نمی‌شود. مقصود از بیان موارد مذکور آن